

# آیا در ۲۸ مرداد نهضت ملی شکست خورد ؟



جمعه ۲۳ مهر ۱۳۸۹ - ۱۵ اکتبر ۲۰۱۰  
فرهنگ قاسمی

در این نوشتار کوشش ما بر این است که به مفاهیم شکست، پیروزی، سرکوب و کودتا از دو منظر، یکی نظامی و دیگری ایده ئولوژیک بپردازیم. در آرایش نیروهای حربی و در گیری قدرت نظامی برای دست یافتن به هدفی که قبلا مشخص و برنامه ریزی شده است، یک ارتش در برابر ارتش دیگری قرار می‌گیرد جنگی درگیر میشود یکی شکست می‌خورد و یکی پیروز میگردد.

در یک نمونه تاریخی چنین میخوانیم، خشایار شاه به یونان حمله میکند و نیرو های نظامی اتن را شکست میدهد. در نمونه ای دیگر حمله نظامی اسکندر به ایران را می بینیم که قوای نظامی ایران را در هم میکوبد و آن را شکست میدهد.

همین حالت میتواند در داخل یک سرزمین که دارای چهارچوب های مرزی مشخص است ، بین سیاستی درمخالف با سیاست حاکم بوجود می آید. در این فرض، بسی اتفاق میافتد که قدرت حاکم، به عبارت دیگر حاکمیت، از قوای نظامی که در واقع برای دفاع از مرزها و رعایت قانون و برقراری نظم ایجاد شده است، جهت اعمال قدرت و سرکوب نیروهای مخالف خود استفاده میکند. این نیز از مواردی است که میتوان گفت یک نیروی سیاسی در برابر یک نیروی سیاسی دیگر قرارنگرفته بلکه یک نیروی سیاسی در برابر یک قوه نظامی - سیاسی قرار می‌گیرد، پس مفهوم شکست و پیروزی بی اعتبار شده و مقوله سرکوب مردم توسط حاکمیت واقعیت پیدا می کند.<sup>(۱)</sup>

مورد دیگر نیز وجود دارد که به کار گرفتن شکست میتواند قابل پذیرش باشد : در یک انتخابات سیاسی دو رهبر سیاسی به نمایندگی از دو اندیشه گوناگون با یکدیگر مقابله اندیشه و مقابله مدیریتی برای اداره جامعه میکنند که به زور متکی نیست بلکه بر منطق استوار است : دو منطق، دو فلسفه، دوایدئولوژی یکدیگر را به چالش می طلبند یکی در مقابل دیگری پیروز میشود و دیگری شکست می‌خورد، استفاده از صفات شکست و پیروزی در این مورد با واقعیت انطباق دارد .

کودتا ها علیه دولت ها برای سرنگون ساختن آنها و به قدرت رسانیدن قدرتی دیگر نیز از پدیده هایی هستند که مفاهیم شکست و پیروزی در آنها از اعتبار بر خوردار نیستند؛ وقتی پینوشه به کمک آمریکا، دولت سوسیال دمکرات و مترقی آلینده در شیلی را با کودتا نظامی از

کار برکنار میکند، آئینده و طرفداران او میکشد، این امر جنبه شکست دولت قانونی شیلی و نظریات فلسفی و اجتماعی آئینده را ندارد. همین موضوع به شکل دیگری، برای ما ایرانیان در حکومت ملی مصدق در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پیش می آید؛ قوای نظامی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و انگلیس حکومت مردمی، مشروع و قانونی مصدق را ساقط میکنند و او و طرفداران او را به زندان می اندازد، قدرت سیاسی نامشروع و غیرقانونی سرلشکر زاهدی را جایگزین آن میکند. آیا در چنین حالتی میتوان گفت نهضت ملی ایران شکست خورده؟ بی تردید پاسخ به این پرسش منفی است، نه مصدق و نه آئینده هیچ کدام شکست نخورده اند، چرا که جنگ یا رقابت سیاسی میان دو قوه نظامی یا دو دکترین نیست بلکه در این حالت یک قدرت نظامی در مقابل یک قدرت غیر نظامی قرار میگیرد. قدرت غیر نظامی به دکترین سیاسی و قدرت مدیریت متکی است حربه او اندیشه و نیروی مردم است خود را برای مقابله نظامی آماده نکرده است و شاید اصولاً روش عمل و روند به دست آوردن قدرت توسط او به روز متکی نیست. چه بسا میتواند برای حفظ خود از قدرت نظامی استفاده کند ولی به دلایلی از این کار دوری می جوید. شواهد تاریخی نشان میدهند که مصدق از کودتا اطلاع داشته است هم می توانسته از قوای نظامی برای مقابله استفاده کند و هم شاید می توانسته مردم را برای مقابله با کودتا به خیابان بخواند اما به هیچ کدام از این دو کار مبادرت نمی کند. آیا مصدق از عواقب آن در شرائط آنروز جهان که دو ابر قدرت، که یکی شمال ایران را میخواست و دیگری جنوب آنرا وحشت داشت<sup>(۲)</sup>. در تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی ایران، راه آزادی و استقلال و دمکراسی که راه نهضت ملی است در صحنه سیاسی پیروز بوده، اما از آنجا که به اصل استفاده از زور برای ماندن در قدرت اعتقاد نداشته، هرگز وارد صحنه نظامی نشده است. امروز بیش از پیش این واقعیت اشکار گردیده است که قدرت متکی به زور راهی به سوی دمکراسی نبرده بر عکس جامعه را به استبداد نیل میدهد. بی شک سیاستمداری چون مصدق از شناخت این واقعیت بی اطلاع نبوده است. در سیاست پیروزی و شکست هر دو حضور دارند. تفاوت در دمکراسی بین این دو امری طبیعی و شاید ملزوم است. اما کسی که از پیروزی غره شود و از آن لذت ببرد در خود قدرت نابودی دگراندیشی را پرورش میدهد و کسی که شکست را نپذیرد نخواهد توانست راه پیروزی آئینده را هستی دهد. تغییر در یک جامعه به دو طریق محتمل است. یکی به مرور زمان و با اتکا به تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در بطن و اقشار جامعه، که در این صورت باید قوه قانونگذاری آنها را تبدیل به قانون کند. دوم با تغییرات قانونی توسط حاکمیت بی آنکه اقشار جامعه از آمادگی لازم و کافی قبلی برخوردار شده باشند. کیفیت و ثمره هر کدام از این دو متفاوت هستند. اما بیان این یادآوری در اینجا اهمیت دارد: «در هر چیزی که تغییر کند، چیزی بدون تغییر میماند. در هر آن چیزی که امروزه زیر عنوان نو ما را شیفته یا

ناراحت می‌کند، عنصری کهن وجود دارد که به زندگی خود ادامه می‌دهد و تکرار می‌شود. در هر چیزی که به نظر می‌رسد با گذشته کاملاً فرق دارد، چیزی پابرجا مانده و ثابت موجود است. بسیاری از چیزهایی که اکنون به نظر تازه می‌آیند، قبلاً هم وجود داشته‌اند، اغلب بسی بیشتر از آنی که ما تصور می‌کنیم. و همچنین چیزها، چه خوب و چه بد، بسی بیشتر از آنی که ما فکر می‌کنیم، دوام می‌آورند.»<sup>(۷)</sup> گمان می‌رود که مصدق از این اصل که هُندریش در قرن بیست و یکم فرمول بندی می‌کند، که خود این گفته نیز از همین اصلی که او ذکر می‌کند، مبرا نیست، پیروی کرده باشد.

انقلاب مشروطه در سالهای نخستین خود بسیار کوشید تا با دیکتاتوری مقابله کند، اما دیدیم که گریزاز حاکمیت های خود کامه ای که طی قرون متمادی در اعماق جامعه ما ریشه دوانیده است، این را نداد. انتخابات ها در غالب دوره های قانون گذاری رژیم پهلوی و طبیعتاً در تمامی انتخابات رژیم جمهوری اسلامی از خصیصه استصوابی برخوردار بودند، با این تفاوت که آخوند ها آنرا نهادینه کردند.

در نخستین دوره انتخابات نمایندگان مجلس، بعد از انقلاب ۵۷ نمایندگان انتخاب شده توسط مردم به مجلس راه پیدا نکردند. راه و رسم آزادی، دمکراسی و استقلال که مترادف با مطالبات انقلاب مشروطه و راه و اخلاق نهضت ملی ایران بود با حربه لیبرالیسم سرکوب شد. ملاحظه میشود استفاده از کلمات شکست و پیروزی و سرکوب هر کدام نیازمند شرایط و موقعیت هایی است که به راحتی نمیتوان آنها را ترسیم نمود. پس با نگاهی درست و مبتنی بر رابطه واقعیت ها و مفاهیم می توان در یافت کرد که اطلاق صفت شکست به نهضت ملی درست نیست. قضاوت های تاریخ و اقرارهای امپریالیسم و قدرت های استعمار گر که خواست آنها چپاول ثروت ملت ایران بوده نیز جز این را نشان نمیدهد. وقتی در برنامه سیاسی مصدق به دقت غور می‌کنیم، در میابیم که چشم انداز مصدق از اداره مملکت در انطباق و در رابطه ملموس با معضلات جامعه بوده است و هر گاه آن را با مطالبات امروز مقایسه می‌کنیم یک فرض به اثبات می‌رسد، که این روشن بینی، هرگاه به نتیجه می انجامید به بسیاری از مشکلات امروز نیز پرداخته بود. اما راه مصدق اگر بر استقلال و آزادی و دمکراسی بنا شده، حاکمیت ملت، عدالت اجتماعی، احترام به حقوق اقلیت ها، رعایت حقوق فردی و اجتماعی و احترام به منشور جهانی حقوق بشر در ذات و ماهیت رفتار و کردارش نقشی تعیین کننده داشته است. برای پی بردن به واقعی بودن این اصول در حکومت ملی مصدق کافی است به پروژه های اصلاحی قوانین و برنامه های دولت او توجه شود. " دولت ملی در تمام زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، از جمله در روابط ارضی، به ویژه استیفای حقوق دهقانان و ایجاد حد اقل روابط دموکراتیک در دهات (تشکیل انجمن ده و دادن حق تصمیم گیری به اعضای آن)؛ دادگستری؛ دارایی؛ شهرداری - قانون جدید برای تشکیل انجمن شهر با حق رأی برای شرکت زنان؛ برقراری بیمه های اجتماعی کارگران؛

شوراهای کارگاه، اصلاحات را شروع کرد»<sup>(۴)</sup> جامعه ایرانی در دوران زمامداری مصدق نسبت به احداث تبعیض روا نشد، همگان در برابر قانون از حقوق یکسانی برخوردار بودند. هرگز دین در اداره مملکت دخالت نکرد اینها همه عواملی هستند که هر گاه دست به دست هم میدادند منافع امپریالیسم شمال و جنوب را به مخاطره می انداخت سرنگونی او بوسیله یک کودتا و روی کار آوردن یک حکومت دست نشانده تنها راه حل بشمار می آمد .

رنگین کمان، بنیاد آزادی اندیشه و بیان

<http://www.rangin-kaman.org>

۱۴/۱۰/۲۰۱۰/

ghassemi@cogefi.com

آدرس ایمیل جهت جلوگیری از ربایتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید

۱ - در شرایط جنگ عامل فرماندهی مهم است، فرماندهی سیاسی برای انباشت قدرت و ارتقاء امکانات سلطه گرانه خود هدف خود را تعیین میکند و غالباً سعی دارد ابتداء از طریق مذاکرات سیاسی و اقتصادی بدون توسل مستقیم به زور این سلطه را استحکام بخشد. در قرون گذشته غالباً فرمانده سیاسی که همان فرمانده نظامی نیز محسوب میشد جز از طریق کشور گشایی و سرنگون سازی قدرت های سیاسی - نظامی رقبای خود نمیتوانست به حیاتش ادامه دهد . در دوران استعمار کلاسیک، پرتغالی ها، انگلیسها و اسپانیایی ها از این روش استفاده میکردند. در این دوران قوای سیاسی بطور متمرکز عمل کرده و از امکانات نظامی و مالی مستحکمی در سر زمین خود برخوردار بوده و قوای نظامی خود را بطور متشکل به نقاط دیگر برای آوردن ذخایر و امکانات زیست بهتر و بیشتر بسیج میکردند. در این شرایط اگر در سر زمین مورد هجوم قرار گرفته قوای نظامی وجود داشته باشد و آن قوا دست به مقاومت بزند و جنگ درگیر شود در نتیجه یکی پیروز و دیگری شکست بخورد، میتوان ادعا کرد شکست دادن و شکست خوردن مفهوم پیدا میکند. اما در حالتی که یک قوه نظامی بطور سازمان یافته در برابر قوه نظامی دیگری قرار نمی گیرد بلکه فقط یکی از طرفین با تجهیزات نظامی خود به مردم معمولی که گاهی از خود دفاع و گاهی تسلیم شدن را به مقاومت ترجیح میدهند دیگر مفهوم شکست و پیروزی بی معنا میشود در چنین حالتی باید گفته شود که یک قوه نظامی مردمی را سر کوب کرده است.

سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا،

۲- اسناد تازه ای را در ارتباط با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منتشر کرد که نشان میدهد دولت آمریکا قصد داشت در صورتی که کودتا علیه دولت دکتر محمد مصدق شکست بخورد، در ایران یک جنگ چریکی دامنه دار به راه بیندازد. این سند «بکلی سری» که در سال ۱۹۵۳ در وزارت خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا تنظیم شده، حکایت از آن دارد که آمریکا تا چه اندازه نگران آن بود که کودتا برای سرنگونی دکتر مصدق با

ناکامی مواجه شود. این سند همچنین اثبات می‌کند که طرحی در جریان بود تا با افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه و ایجاد یک نیروی چریکی ضد کمونیست در جنوب ایران، حرکتی برای بی‌ثبات کردن دولت مصدق آغاز شود.

والتر اسمیت معاون وزیر خارجه وقت به کاخ سفید اطلاع داد که سازمان سیا برای مقابله با این احتمال، آماده شده است تا در صورت شکست کودتا یک جنگ چریکی دراز مدت و دامنه دار در ایران به راه بیندازد. اسمیت در این یادداشت نوشته است: «تا امروز سیا موفق شده ده نفر را با دستگاه‌های گیرنده و فرستنده رادیویی در نقاط مختلف ایران بگمارد تا در صورت لزوم با این سازمان تماس برقرار کنند. عده دیگری هم برای پیوستن به آنها تعلیم می‌بینند. در همان حال، در پایگاه ویلوس فیلد در لیبی که در آن زمان در اختیار آمریکا بود اسلحه و مهمات برای این منظور انبار شده بود. به گفته اسمیت این مقدار اسلحه و مهمات برای مسلح کردن ده هزار نفر کفایت می‌کرد. او می‌گوید که این تجهیزات می‌توانست در عرض سه تا چهار هفته به ایران برسد. اسلحه و مهمات قرار بود در تهران و تبریز همراه با محموله‌های مخفی طلا و پول نقد به دست افراد خاصی برسد.

سیا طرحی هم برای اداره چریک‌هایش توسط هشت گروه سه نفره تهیه کرده بود. در عین حال، قرار بود دهها هواپیمای آمریکایی هم در جنوب ترکیه مستقر شوند و یک نیروی کوچک از نفرات و شناورهای آمریکایی هم قرار بود در نزدیکی بصره در جنوب عراق استقرار بیابند تا از پراکنده شدن کمونیست‌های فراری در منطقه جلوگیری کنند.

ارتش آمریکا مصمم بود تا از یک پایگاه نظامی در طهران واقع در عربستان سعودی هم سود بجوید.

اما با پیروزی کودتای ژنرال زاهدی، سرنگونی دولت دکتر مصدق و بازگشت شاه به ایران دیگر نیازی به دست زدن به این عملیات پیدا نشد.

۳ - تواضع در برابر زمان - آخرین درس یک استاد  
Großansicht des Bildes mit der Bildunterschrift کارل اتو هُندریش، استاد درگذشته‌ی دانشگاه فرانکفورت هندی‌ریش در سخنرانی خود بیشتر به این نکته‌ی آخر پرداخته و دعوت به تواضع در برابر زمان کرده است. نه آینده را می‌توان به طور کامل پیش‌بینی کرد و نه بر گذشته‌ی تاریک می‌توان به طور کامل پرتو افکند. او در ابتدای سخنش می‌گوید: «این یک درس جامعه‌شناسی است. نگاه جامعه‌شناسانه در همه جا رابطه‌های میان انسان‌ها را می‌بیند. تا همین امروز نگاه بر آنچه در رابطه می‌گذرد، بر من بسی دشوار می‌نماید. مدام این نگاه متوجه فرد انسان می‌شود، به پدیده‌ی فرد معطوف می‌شود. این عادت ماست. نگاه جامعه‌شناس، برعکس، نگاهی غیرعادی است، غریب است، غریب‌کننده است. بر این قرار من هم، که مدتهاست جامعه‌شناسم، بایستی مدام بکوشم - انگار که دارم عینکم را عوض می‌کنم - تا

نگاهم جامعه شناسانه باشد، یعنی رابطه بین باشد.» نویسنده: رضا  
نیکجو تحریر: کیواندخت قهاری

-۴

[http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&view=article&id=۱۱۹۸:۲۰۱۰-۰۸-۲۳-۱۷-۲۰-۵۰&catid=۳۴:politique](http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com_content&view=article&id=۱۱۹۸:۲۰۱۰-۰۸-۲۳-۱۷-۲۰-۵۰&catid=۳۴:politique)

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عواقب آن و دولت مصدق، سایت رنگین کمان و  
بنیاد آزادی اندیشه و بیان هدایت متین دفتری  
چهارشنبه، 21 مهر 1389